

جایگاه حقوقی زن در قرآن کریم

عبدالرضا عطاش*

چکیده

هدف اساسی از نگارش این مقاله بررسی اثر بخشی و بیان جایگاه حقوقی زن توسط قرآن کریم در جامعه بشری می باشد. نقش قرآن کریم در بهبود نهایی رابطه زنان و مردان در طول تاریخ بی نظیر بوده است. اصلاحات قرآن کریم در باره حقوق زن و جایگاه واقعی آن با استناد به تفاسیر و استنباطهای حقوقی صورت گرفته است. نتایج بررسی نشان داده که: عدم احترام و اعتراف به جایگاه حقوقی مناسب برای زنان در طول تاریخ خود ناشی از انحراف و عدم رشد و تکامل عقل بشری بوده است. که قرآن کریم نیز در جهت بازیابی جایگاه حقوقی زنان در جامعه بشری؛ در دو حوزه اصلی، نقش مهمی ایفا نموده است. اول: در خصوص نحوه تکوین وجودی زن اقدام به اصلاح انحرافات دیدگاهی بشر نمود. دوم: برای تحصیل حقوق و تکالیف زن در بسیاری از عرصه ها اقدام به اعطای شخصیت حقوقی زن دستورانی منظور نمود.

کلید واژگان: زنان، حقوق تطبیقی، قرآن کریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

فرهنگ انسانی خود محصول عوامل عدیده ای همچون عقاید، آداب ، سنن و تجارب بشری می باشد. دین در اعتلای فرهنگ انسانی نیز از خود آثار غیرقابل انکاری را در طول تاریخ برجای گذارده است. قرآن کریم در جلوه دینی خود هدایت جامعه انسانی را بنحوی تحت تاثیر خود قرار داده است که تمدن بشری را به شیوه ای خاص در طی قرون گذشته متعالی نمود. این مقاله با استناد بر این کتاب الهی ، به شیوه ای علمی و پژوهش گونه جایگاه و موقعیت حقوقی و اجتماعی زن را مورد بررسی قرار می دهد. لذا در ابتدا آداب و تجربه های غلط جامعه انسانی در نحوه رفتار با زنان را مورد مذمت قرار می دهد و بعد از آن با فهم صحیح آیات قرآن از راه تفسیر واستنباط حقوقی؛ جلوه قرآنی در خصوص امتیازاتی که خداوند به زنان عطا نموده است را مورد مطالعه قرار داده است. از جمله مشکلات اجتماعی زن که دین در پی ارائه ی راه حل برای آنها می باشد در ذیل بصورت استفهام مطرح می شوند:

الف: نحوه ی تعامل متون دینی اسلام با جایگاه زن در مقایسه با جایگاه مرد از لحاظ آفرینش چگونه است و جایگاه زن از این جهت در قرآن کریم چگونه جایگاهی می باشد؟

ب: آیا در اسلام برای زنان موقعیت اجتماعی، دینی، اقتصادی و حقوقی وجود دارد؟ و آیا این موقعیت زنان در مقابل موقعیت مردان برابری می نماید؟

وضعیت زن در عصر جاهلی از دید قرآن کریم

قرآن کریم به صراحت در چهار جا متعرض عصر جاهلی شده است ذیل عبارت «الجاهلیة» که در هر بار ویژگیهای آن بیان شده است لذا بنظر می رسد که قرآن کریم برای عصر جاهلی چهار مشخصه ی ذیل را معرفی می نماید که در قالب جدول یاد شده ی ذیل آورده می شود:

جدول مشخصات عصر جاهلی از نظر قرآن کریم			
مشخصه	سوره و آیه قرآنی	توضیحات	
ظن الجاهلیة	(آل عمران، ۱۵۴)	گمان جاهلی	۱
حکم الجاهلیة	(المائدة، ۵۰)	حکم جاهلی	۲
حمیة الجاهلیة	(الفتح، ۲۶)	تعصب جاهلی	۳
تبرج الجاهلیة	(الأحزاب، ۳۳)	ظاهرگرایی جاهلی	۴

عقیده باطل و حکم غیر عادلانه و عصبیت گرایی و اظهار زینت زنان برای ظاهر گرایی ؛ همه از ویژگیهای عصر جاهلی از نظر قرآن کریم معرفی شده اند. در این مقاله تنها به شرح رکن چهارم که بیان کننده وضع زن در عصر جاهلی است کفایت شده: قرآن کریم با آیات عدیده ای در برا استفاده ی ابزاری از زنان در عصر جاهلی مقابله کرده است. و شیوه و سبک خاصی در پرورش فکری و اجتماعی آدمی بکارگیری می نماید که همان روش تفکر و تدبیر

می باشد (کلجی، ۱۳۸۴:ص ۲۱). آیه ۳۳ سوره احزاب می فرماید: « و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الأولى و أقمن الصلوة و آتین الزکوة و أطنن الله و رسوله إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیراً » جمله ای از لطائف و نکات تفسیری این آیه را به شرح ذیل می توان از میان کتب تفسیری معتبر ، خلاصه بیان نمود:

- این آیه از جمله هفت آیه ای است در سوره احزاب که مخاطب آنها زنان پیامبر است.
 - این آیه از سه جزء تشکیل گردیده است: اول: نهی از شر دوم: امر به خیر سوم: بیان سبب این امر و نهی.

- خداوند در صدر آیه انسان را از بدترین اعمال که همان «تبرج الجاهلیة» یا اظهار زینت زنان به مردان می باشد نهی می نماید. (المراغی، ۱۳۶۵هق : ج ۷/۲۲-۶).

- لفظ «تبرج الجاهلیة» در نزد لغت شناسان به معنای ابراز و اظهار نمودن زینت زنانه به مردان است همانگونه که زنان جاهلی در قبل از اسلام زینت خود را به مردان اظهار می نمودند. (الرازی ابی بکر، ۲۰۰۰م: ۴۶).

- در آیات دیگری از قرآن کریم مشاهده می شود که خداوند سبحان برای حفظ کرامت انسانی و اجتماعی زنان آیاتی نازل فرموده است که بصورت موجز در جدول ذیل به ذکر آنها پرداخته شده است:

جدول بیان کننده دیگر آیات حفظ کرامت زنان	
سوره و آیه	مضمون آیات
(النحل، ۵۹-۵۸)	بیان رویکرد منفی برخی از قبایل نسبت دختران
(التکویر، ۹-۸)	بیان رویکرد منفی برخی از قبایل نسبت دختران
(النساء، ۱۹)	عدم جواز به ارث بردن زنان و به یغما بردن اموالش
(النور، ۳۲)	ممنوعیت مردان بر مجبور کردن زنان در ازدواج
(النساء، ۳)	تشویق و جواز بر ایجاد علقه زوجیت

شخصیت وجودی زن در تناسب تکوینی

قرآن کریم در ابتدا تصورات غلطی که در اذهان مردم نسبت به زنان و خلقت آنها وجود داشته اصلاح نمود و این دیدگاهها را مورد نکوهش قرار داده است و در خصوص نحوه آفرینش با عباراتی بی نظیر ذهن متفکران و فلاسفه جهان را به خود تا هم اکنون معطوف نگاه داشته است (فاروقی، ۱۴۰۴هق/ ص ۳۳۴) و از جمله تصورات مذموم و باطلی که نسبت به زن و نحوه خلقت در ذهن ها شکل گرفته بود: « در تورات منحرف شده آمده است که زن از یکی از دنده های مرد آفریده شد » (تورات: آیه های ۲۲ و ۲۳ قسمت دوم از سفر تکوین). قرآن کریم در خلال آیاتی چند با این گونه اعتقادات مقابله نموده است که در ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَالُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (النساء، ۱)

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا.....» (الأعراف، ۱۸۹)

دانشمندان علوم تفسیر در تبیین معنای آیات فوق لطائف و نکته های بسیاری را متذکر شده اند و در این باره گفته شده است که در خصوص دو آیه فوق « چنانچه مردم بدانند که همه آنها از یک شخص آفریده شده اند دیگر فخر و تکبر نکرده و اظهار تواضع نسبت به یکدیگر می نمایند» (الرازی، ۲۰۰۱م: ج ۳/ ۴۷۷). اما در خصوص (خلقتکم من نفس واحدة) در دو آیه یاد شده فوق؛ یعنی ای بنی آدم خداوند شما را از یک اصل واحد یعنی پدر شما حضرت آدم (ع) بوجود آورد و در خصوص عطف (و خلق منها زوجها) منظور این است که حضرت حواء (ع) (زن) از آن نفس واحد خلق شده است. (الزمخشری، ۱۹۹۸م: ج ۱/ص ۴۶۱) و اما آنچه که بعضی از مفسرین که آنرا احتمال داده اند؛ مراد از «نفس واحد» مقصود عموم مردان و زنان (شوهران و همسران) در تمامی نسلها می باشد و با توجه به مضمون این آیه ثابت می شود که هیچ تفاوتی میان زن و مرد در آفرینش وجود ندارد. (الطباطبایی، ۱۳۹۲ هـ: ج ۱/ص ۱۳۵) لذا اعتقاد به نداشتن تکامل در زن از حیث خلقت منجر به انحطاط موقعیت زن از جهت اجتماعی می شود و قرآن با مقابله با چنین تفکری، زن را در مرحله نحوه خلقت در کنار مرد برابر دانسته است و از جهتی دیگر نیز زن و مرد بگونه ای آفریده شده اند تا جنبه تکاملی و تناسبی را نسبت به یکدیگر دارا باشند. و قرآن با دو آیه یاد شده در واقع اقدام به اعطای شخصیت کامل و مطلق وجودی (تکوینی) به زنان نموده است و آنان را در نحوه خلقت با مردان مساوی معرفی می نماید.

شخصیت حقیقی زن در ولایت تشریحی

بنظر می رسد که انسان مومن از جهت ایمانی که به خداوند متعال دارد لازم می گردد که اوامر حضرت حق را مورد امتثال قرار داده و از این راه رضایت خداوند متعال را بدست می آورد. لذا انسان مومن دو مرحله اساسی را می بایست طی کند. اول: اعتقاد یقینی در قلب خویش ایجاد نماید تا «ایمان» حاصل گردد. دوم: «امتثال» اوامر الهی است که دارای دو حوزه ی اخلاقی و فقهی می باشد. اسلام شناسان در این باره می افزایند که دین اسلامی در حقیقت دارای سه نوع حکم می باشد: الف: اصول عقاید ب: احکام اخلاقی ج: احکام فقهی (فیض، ۱۳۷۱: ص ۱). اصول عقاید زیر بنای ایمان است و فضائل اخلاقی و احکام فقهی زیر بنای امتثال اوامر ربوبی می باشند. ولایت تشریحی خداوند در حقیقت حوزه احکام اخلاقی و فقهی دین اسلام در دنیا می باشد. اکنون وضع زن در این ولایت الهی دین اسلامی را در دو قالب اخلاقی و فقهی مورد مطالعه قرار داده شده است:

الف: مساوات زن و مرد در جهت تحصیل مکارم اخلاقی: در حوزه مساوات اخلاق میان مرد و زن، توسط علما اسلام مطالعات وسیعی صورت گرفته است. در خصوص جایگاه مهم اخلاق به گفتار دانشمند بزرگ اسلام، فارابی (متوفی ۳۳۹ هـ) بسنده می شود، ایشان برای نفس (روح) انسانی پنج قوه و نیرو ذکر می نمایند که از جمله ی آنها قوه تخیل و حس و نطق و انتزاع و فضائل خُلُقِی (اخلاق) می باشند عبارتی اخلاق را از قوای روحانی انسان بر می شمارد. (الخاقانی، ۱۹۸۷: ص ۱۸۸). قرآن کریم در حوزه تحصیل مکارم و فضائل اخلاقی هیچ تفاوتی

میان زن و مرد قائل نشده است و آنان را در این باره برابر می داند. لذا زن در قرآن کریم دارای تکالیف اخلاقی است همانگونه که مرد دارای چنین تکالیفی می باشد تا فضائل اخلاقی در جامعه اسلامی رواج یابد و ناهنجاریهای اخلاقی و کرداری از میان برود در این بین به ارائه شواهدی از قرآن کریم در این خصوص پرداخته می شود که نمایان کننده برابری زن و مرد در مورد مخاطب واقع شدن آنها در حوزه اخلاق توسط قرآن کریم می باشند:

شاهد اول: «و من یعمل من الصالحات من ذکر أو أنثی فأولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیراً» (النساء، ۱۲۴) (هرکس که کارهای شایسته کند -مرد باشد یا زن- در حالی که مومن است، ایشان داخل بهشت می شوند و به اندازه ی گودی پشت هسته ی خرمایی (هم) ستم نمی شوند.)

شاهد دوم: «من عمل صالحا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنُحییَه حیاة طیبه و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما کأنوا یعملون» (النحل، ۹۷) (هرکس -از مرد یا زن- در حال ایمانش (کار) شایسته ای انجام دهد همواره او را به راستی زندگی ای پاکیزه می بخشیم و به درستی به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند بس پاداش خواهیم داد.)

ب: مساوات میان زن و مرد در قانون گذاری قرآنی: قرآن کریم حقوق و تکالیفی را برای هر کدام از زن و مرد مومن وضع نموده است اما سخن از یکسانی آن دو در امر قانون گذاری قرآنی در سه محور «اعطای شخصیت» و «موثر دانستن اراده» و «تعامل در خانواده» می بایست مورد توجه قرار گیرد:

الف: در اکثر تمدنها مشاهده شد که زن از وضع مناسبی برخوردار نبوده بطوریکه آن تمدنها به شکل مطلق برای زنان شخصیت قائل نبوده اند. در اینجا معنای حقوقی لفظ شخص منظور است که همان دارا بودن حق و تکلیف است (صفایی، ۱۳۸۶: ص ۶) عبارتی شخص به کسی (انسان) اطلاق می گردد که از ناحیه قانون گذاری صاحب حق و تکلیف شناخته شود. تمدنی که به زوج اجازه قانونی داده است که در حالت تهیدستی زن خود را مقابل مالی واگذار کند در واقع برای آن زن مرتبه «مال» بودن را تصور کرده است که طرف حق و

تکلیف واقع می شود نه صاحب حق و تکلیف. لذا اطلاق لفظ شخص منجر به دارا شدن حق و تکلیف در جامعه بشری می شود.

ب: از نتایج اصلی اعطای شخصیت به افراد، اعتراف جامعه به اراده ی آنهاست لذا دارنده وصف شخصیت دارای امتیازاتی در جامعه می شود که قانون گذار اراده او را موثر در تحقق آرزوها و امیدها و اهداف فرض می کند. اسلام به مصدریت کتاب الهی قرآن و ارشادات نبوی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) برخلاف سایر ملل و تمدنها برای زن همانند مرد شخصیت قانونی کاملی را متصور شده است. آیات قرآن زن را نیز دارای شخصیتی معرفی کرده که به مثابه طرفی است که مظروف و محتوای آن حق و تکلیف می باشد:

شاهد اول: «و لا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللهُ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ؛ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (النساء، ۳۲)
از ظاهر آیه مشخص می شود که خداوند به زنان حق اداره اموال و ممتلكاتشان را معتبر دانسته است و این همان حق مالکیت برای زنان می باشد.

شاهد دوم: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (النساء، ۷). «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ؛ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مِمَّا تَرَكَ وَ إِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ؛ وَ لِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَ وَرَثَةٌ فَلِلْأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِلْأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ؛ آبَائِكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (النساء، ۱۱).

باتوجه به دو آیه فوق معلوم می شود که خداوند سبحانه برای پیشرفت زن در جامعه اقدام به توسعه اسباب تملک برای زنان می نماید. اسباب تملک دارای دو قسم است: (کاتوزیان، ۱۳۸۷/۱۶۶)

اسباب تملک ارادی: عبارت از سبب های قانونی که با اراده افراد منجر به تحقق مالکیت می شوند مانند قراردادهای و ایقاع های مذکور در قانون. آیه ۳۲ سوره نساء مجوز استفاده زنان از این نوع اسباب را بیان می کند.

اسباب تملک غیر ارادی: سبب های قانونی که اعمال آنها خارج از اراده انسانی بوده و تحقق آنها منجر به تحقق مالکیت برای افراد خواهد شد. مانند ارث و اتلاف و تسبیب که آیه ۱۱ و ۱۷ سوره نساء حق مالکیت ناشی از این اسباب را برای زنان معتبر می داند.

ج: دین اسلام برای خانواده مقررات خاصی را وضع نموده است. رابطه زوجیت و احکام فقهی جهت حفاظت از خانواده دارای اهمیت خاص می باشند. در فقه اسلامی احکام شرعی فرعی به دو قسم تقسیم می شوند: (فیض، ۱۳۷۱: ۱۰۶-۱۱۰)

حکم شرعی تکلیفی: حکم شرعی است که مستقیماً به افعال انسان مکلف تعلق می‌گیرد. که خود به پنج قسم؛ واجب، مستحب، مباح، مکروه، حرام تقسیم می‌شود. احکام شرعی وضعی: حکم شرعی است که مستقیماً به انسان و رفتار و گفتار او مربوط نمی‌شود بلکه وضع مشخص و معینی را قانون‌گذاری می‌کند. زوجیت نیز مشمول حکم وضعی است که در این رابطه احکام تکلیفی دیگری ظاهر می‌شود مانند وجوب انفاق شوهر به زن و وجوب تمکین زن نسبت به شوهر و غیره.

به نظر می‌رسد که تقابل وظائف در رابطه با زوجیت، دلیل شدت اهمیت یافتن آن در فقه اسلامی می‌باشد و براین اساس است که در زمره احکام وضعی قرار گرفته اند متأسفانه خیلی از محققان بدون توجه به این ملاحظه، احکام تنظیم‌کننده خانواده در حقوق اسلامی را مخالف با کرامت زن پنداشته و شبهه رجالی بودن (مرد گرایی) فقه را سر داده اند. احکام شرعی وضعی همانند زوجیت؛ حالات و روابط اجتماعی خاصی هستند که منطقی موازی در تقابل احکام تکلیفی در آنها دیده می‌شود و به مثابه دستگامی متشکل از اجزاء دیگر می‌باشند. در ذیل آیاتی که مصدر تنظیم رابطه زوجیت می‌باشند گرفته اند:

شاهد اول: «و للرجال علیهنَّ درجَةٌ» (البقره، ۲۲۸) شاهد دوم: «الرجال قوَّامون علی النساء بما فَضَّلَ اللهُ بعضَهُم علی بعضٍ و بما أنفقُوا مِن أموالِهِم» (النساء، ۳۴) جواب شبهه:

دو آیه فوق همانگونه که گفته شد مرجع استنباط برخی از احکام تکلیفی مشترک که در رابطه زوجیت (احکام وضعی) وجود دارند.

خانواده یک نظام متشکل از تعدادی اعضاء است که درون خود نیازمند به اهداف و قوانین خاص خود و اداره و رهبری و ریاست می‌باشد و این قاعده ای بدیهی است که از بدو تاریخ بوده که گروه های اجتماعی کوچکی چون خانواده و گروه بزرگی چون دولت از این امور برخوردار بودند. پس چگونه امکان دارد که پذیرفته شود گروه های اجتماعی را بدون هدف و ریاست به فلسفه وجودی آنها رسانده شود. آیات ۲۲۸ یقره و ۳۴ سوره نساء به بیان این امر بدیهی در خانواده و جامعه می‌پردازد.

کلمه «القوَّامون» و «القوَّام» بنا بر اتفاق مفسران (الرازی، ۲۰۰۱م: ج ۴ / ۷۰) خود مبالغه است بر «القَیِّم» و آن عبارت از کسی است که به امور دیگران (بصورت نمایندگی) قیام می‌کند. خداوند از کلمه «القوَّامون» معنای سلطه و استبداد را منظور نکرده است بلکه معنای رعایت و اداره امور خانواده را مورد توجه داشته است (الخاقانی، ۱۹۸۷، ج ۲ / ۱۶۴).

بحث و نتیجه گیری

که پایمال نمودن حقوق زنان در طول تاریخ از جمله پسماندهای انحرافات عقل بشری از دیر زمان بوده است که این پدیده خود دارای سابقه ای متصل به دوران قبل از تاریخ نزول پیام الهی قرآن کریم می باشد. براین اساس بعنوان نتیجه به اصلاحاتی که قرآن کریم در باره حقوق و جایگاه زنان به ارمغان آوردند، پرداخته شده است.

أولاً: اصلاح دید منحرف گونه درباره کیفیت خلقت زن و بیان تساوی مرد و زن در عالم تکوین الهی.

ثانیا: إعطاء «شخصیت» به شکل کامل به زن جهت تحصیل حقوق و تکالیف در جامعه بشری جهت برقراری روابط اجتماعی براساس مساوات در حقوق و تکالیف میان مرد و زن. و این خود به مثابه انقلابی بزرگ برعلیه انحرافات اجتماعی که پیامبر رحمت(ص) بیش از ۱۴۰۰ سال پیش برای آن قیام نمود.

ثالثاً: قرآن کریم اصلاحات خود را شامل دو حوزه خلقت و تشریح درباره زن منظور نمود تا زن در نظام خانواده ی ایده آل پا به پای مرد قله های موفقیت را بگشاید و با همیاری مرد در جامعه بشری جایگاه حقیقی را پیدا نماید.



منابع

- قرآن كريم
تورات ، عهد قديم ، نشر انجمن كليمان تهران ، (١٣٨١) تهران.
- الخاقاني ؛ محمد محمد طاهر . (١٩٨٧) علم الاجتماع بين المتغير و الثابت ، القسم الثاني ؛ منشورات دارو مكتبة الهلال ، بيروت .
- الخاقاني ؛ محمد محمد طاهر . (١٩٨٧) علم الاخلاق النظرية والتطبيق ، الق ؛ منشورات دارو مكتبة الهلال ، بيروت .
- دورانت ؛ ويل ، تاريخ تمدن مشرق زمين ؛ جلد اول ؛ مترجم احمد آرام . (١٣٦٥) چاپ اول ، انتشارات سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامي .
- الرازي ؛ فخر الدين (٢٠٠١) م . (التفسير الكبير ، المجلد ٣ و ٤ و ٧ و ٩ و ١١ ؛ دار احياء التراث العربي ، بيروت .
- الرازي ؛ محمد بن أبي بكر بن عبدالقادر (٢٠٠٠) م . (مختار الصحاح ؛ دار ابن كثير ، بيروت .
- الزمخشري ؛ جار الله محمود بن عمر (١٩٩٨) م . (الكشاف ؛ الجزء الثاني ؛ نشر أدب الحوزة .
- الزوزني ؛ عبدالله بن أحمد (٢٠٠٨) م . (ديوان المعلقات السبع ؛ المكتبة العصرية ، صيدا بيروت .
- صفايي ؛ حسين . (١٣٨٦) حقوق مدني ؛ أشخاص و محجورين ؛ انتشارات سمت ، تهران .
- الطباطبائي ؛ محمد حسين (١٣٩٢) هـ ق . (الميزان في تفسير القرآن ؛ المجلد الثاني ؛ جامعة المدرسين قم .
- العطار ، داود (١٩٧٩) م . (موجز علوم القرآن ؛ موسسه الاعلمي للمطبوعات .
- فاروقى ؛ لميعه (١٤٠٤) هـ ق . (المرأة في المجتمع القرآني ؛ مجلة التوحيد ، السنة الثانية ، العدد التاسع ؛ انتشارات منظمة الإعلام الإسلامي ، تهران .
- فيض ؛ علي رضا . (١٣٧١) مبادئ فقه و اصول ؛ الطبعة الخامسة ، انتشارات دانشگاه تهران .
- قميحه ؛ مفيد (٢٠٠٣) م . (شرح المعلقات السبع ؛ دار و مكتبة الهلال بيروت .
- كاتوزيان ؛ ناصر . (١٣٨٧) دوره مقدماتي علم مدني ؛ اموال و مالكيه ؛ انتشارات بنياد حقوقى ميزان .
- كليجى ، سعيد حميدى . (١٣٨٤) قرآن و طبيعت ؛ نشر حلم ؛ قم .
- المراغى ؛ أحمد مصطفى (محرم ١٣٦٥ هـ ق . (تفسير المراغى ؛ المجلد ٥ و ٨ ؛ جزء ٢٢ ؛ دار الفكر .